

قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی

عباسعلی رهبر* - مجید نجات‌پور** - مجتبی موسوی نژاد***

(تاریخ دریافت: 1392/12/25 - تاریخ پذیرش: 1394/7/20)

چکیده

قدرت نرم یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در میان دیگر ملت‌ها، بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. جمهوری اسلامی به عنوان یک واحد سیاسی دارای هویتی خاص است. این هویت دارای چند بُعد ایرانی، اسلامی، انقلابی و در حال توسعه‌ای که تعیین‌کننده رفتار آن در سیاست بین‌الملل است. ایران با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، استقلال‌طلبی، مبارزه با صهیونیسم و ضدیت با سیاست‌های امپریالیستی غرب به ویژه آمریکا، توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصه ظهور رساند. این مقاله تأثیر قدرت نرم انقلاب اسلامی بر جنبش موسوم به «بیداری اسلامی» در منطقه شمال‌آفریقا و کشورهای نظیر مصر، تونس و لیبی را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، قدرت نرم، بیداری اسلامی، منطقه خاورمیانه

Ab.rahbar@yahoo.com

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

Majidnejatpoor616@gmail.com (نویسنده مسئول)

Mojtabamousavinejad1390@gmail.com *** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

مقدمه

گفتمان امنیت ملی کشورها که طی سالیان اخیر مفاهیم وارد شده تفاوت ماهوی و شکلی عمیقی با گفتمان‌های پیشین دارد، از جمله اصطلاحات و مفاهیم این گفتمان می‌توان به قدرت سخت و نرم اشاره کرد. امروزه کاربرد قدرت سخت و نرم، در سطح داخلی و بین‌المللی از جمله اصطلاح‌های رایج عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و به ویژه در بعد نظامی و دفاعی به شمار می‌رود که به طور فزاینده در محافل علمی و نظامی به گوش می‌رسد. برای اینکه بتوان درباره وضعیت سیاست خارجی و دفاعی کنونی جمهوری اسلامی ایران به بحث پرداخت، ناگزیر باید به این دو اصطلاح مهم یعنی قدرت نرم و سخت توجه داشت. مفهوم قدرت سخت و نرم به کانون مباحث نظامیان، سیاست‌مداران و اعضای علمی مراکز مطالعات و دانشگاهی تبدیل گشته است. با وجود اینکه برخی به ارزش نیروهای مسلح برای سیاست خارجی اشاره می‌نمایند برخی با مشاهده تجهیزات و امکاناتی که نیروهای نظامی برای اجرای مؤثر و ایمن شغل خود به آن‌ها نیاز دارند به تردید می‌نگرند (بایمن، 1386: 213).

امروزه قدرت نرم یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی تأثیرگذاری و نفوذ در میان دیگر ملت‌ها، بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. قدرت نرم انقلاب اسلامی نقش مهمی در دفاع از ارزش‌های کشور می‌تواند ایفا کند و حتی این توانایی و پتانسیل را دارد تا علاوه بر دفاع از کشور در مقابل قدرت نرم دشمنان انقلاب اسلامی، در سایر کشورهای مسلمان نیز تأثیرگذار باشد و آن را در فراتر از مرزهای کشور منتشر نماید. در بیداری اسلامی اخیر خاورمیانه به طور محسوسی می‌توان نقش و تأثیر پررنگ انقلاب اسلامی را در میان ملت‌های مسلمان و الهام‌بخشی آنان از ارزش‌های انقلاب اسلامی را نظاره گر بود که این امر نشان از قدرت نرم ایران دارد.

سؤالی که در این پژوهش به دنبال آن هستیم، این است که قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر جنبش موسوم به «بیداری اسلامی» داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود این است که هویت اسلامی به مثابه قدرت نرم انقلاب اسلامی توانسته ضمن تقویت جایگاه جمهوری اسلامی در معادلات منطقه‌ای و جهانی، الهام‌بخش

ملت‌های منطقه در جنبش بیداری اسلامی باشد. در ابتدا به بررسی مفهوم قدرت نرم و سپس تأثیر قدرت نرم انقلاب اسلامی در جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه می‌پردازیم.

مفاهیم نظری

الف) قدرت نرم

یکی از مباحث زنده در عرصه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی مسئله قدرت نرم است. این مفهوم در زمان حاضر اهمیت بسیار مهم و گسترده‌ای یافته است. قدرت نرم توان به دست آوردن خواسته‌ها از راه ایجاد جذابیت و اقناع است که این کار از راه جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی، تولید علم و فناوری و جز آن انجام می‌شود. در تعریف قدرت نرم آمده است که اگر قدرت به معنای «توانایی نفوذ بر رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب» تعریف شود، در این صورت می‌توان گفت که قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها و اثرگذاری بر رفتار دیگران از طریق مجذوب کردن به جای اجبار، تهدید و تشویق (قدرت سخت) است. قدرت نرم بر جذابیت و کشش مبتنی است که از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های متنوع صورت می‌گیرد. قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است.

بنابراین جذب و اقناع، جنبه مثبت و قدرت مثبت است. قدرت نرم اثرگذاری (و حتی غلبه) از طریق نرم و به روش‌های نرم و احیاناً روی جهات نرمی چون ارزش‌ها، بینش درونی یا روحیات طرف مقابل است که معمولاً در اندیشه، انگیزه، ارزش‌ها و اراده طرف مقابل گذاشته شده و در کنش و روش بیرونی او بازتاب می‌یابد. چه جذب و اقناع یعنی متقاعد کردن بوده و چه دفع و متقاعد کردن باشد. به اصطلاح چه رجاء و چه خوف باشد یا چه حب و چه بغض باشد. همانگونه که قدرت سخت نیز مراد همان اثرگذاری اعم از بازسازی یا واداری طرف بوده ولی با ابزار سخت و با روش‌های سخت و احیاناً روی جهات سخت مثلاً جهات بدنی و جهات جسمانی (فیزیکی و طبیعی) طرف مقابل باشد.

قدرت نرم در تعیین اولویت‌های افراد نقش تعیین‌کننده دارد. هر وقت کشوری بتواند با جذابیت‌های فرهنگی و ارزشی خود، جامعه هدف را به تفکر در اولویت‌های قبلی وادارد و این تفکر در تعیین اولویت‌های جدید افراد آن جامعه، نقش ایفا کند، باید گفت که قدرت

نرم آن کشور مؤثر واقع شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که «قدرت نرم به مثابه (وجه دوم قدرت) یعنی راه غیرمستقیم به دست آوردن خواسته‌ها است. در اینجا ممکن است یک کشور به نتایج مدنظرش در امور سیاسی جهان از این جهت دست پیدا کند که دیگران ارزش‌هایش را تحسین کرده و آن کشور را الگوی خود قرار داده‌اند» (ایزدی، 1387: 11).

در یک تقسیم‌بندی کلی قدرت نرم در دو سطح قابل بررسی است، یکی در سطح خرد و شخصی و دیگری در سطح کلان و بین‌المللی. بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد و شخصی، نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیتی و چهره‌متنفذ و کاریزماتیک است. در سطح کلان‌تر و در عرصه روابط بین‌الملل، اساس قدرت بر ارزش‌ها نهاده شده است؛ یعنی بر فرهنگ و چگونگی رفتار با هر کشور در سطح بین‌المللی و این درواقع ایجاد حس مشروعیت است برای اهداف بین‌المللی یک کشور (بیگی، 1388: 2).

ب) بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، جریانی است که بدون تردید یکی از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین تحولات سیاسی و بین‌المللی قرون اخیر است. وسعت زیاد این تحولات از شمال آفریقا تا خاورمیانه سبب شده تا تحلیل‌ها و واکاوای‌های مختلفی درباره این پدیده از سوی اندیشمندان و متفکران کشورهای مختلف صورت بگیرد. بیداری واکنشی است به رفتار خصمانه دیگران و درواقع بیداری را می‌توان حاصل آگاهی، شناخت، طلب، خواسته و اراده و کنش آدمیان دانست (نوری، 1376: 588).

بنابراین بیداری اسلامی واکنشی آگاهانه و برآمده از خواست مسلمانان است به رفتار خصمانه که در چارچوب اندیشه اسلامی و با هدف بازیابی هویت و کرامت اسلامی و با شعارهای آزادی‌خواهانه، عدالت‌جویانه و آرمان اسلام‌خواهانه شکل می‌گیرد. این تحول بنیادین که در جهان اسلام و میان مسلمانان نمایان شده است، با این چنین شعارهایی جلوه‌گر می‌شود:

1. بازگرداندن امید، احساس و عزت به امت اسلامی؛

2. زمینه‌سازی برای پذیرش جهانی اسلام به‌عنوان نتیجه نجات‌بخش بشر؛

3. ایجاد وحدت نظر همگانی میان مسلمانان و فراهم سازی زمینه های امت واحده اسلامی؛
4. حضور تعالیم اسلامی در عرصه عمل و زندگی و پرورش نسلی باورمند به اجرای اسلام در تمامی زمینه ها؛
5. مقابله با هجوم فرهنگی سیاسی و نظام سلطه (اکبری، 1390: 42) و در واقع بیداری اسلامی، بازگشتی است به ارزش های اسلامی و احیای اسلام.

انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان مؤثرترین رخداد قرن بیستم در عرصه بین الملل، هم در عرصه ژئوپلیتیک دارای یک پیام جهانی بود و هم در مقام عمل و عینیت تأثیرات و بازتاب های بین المللی را به همراه داشته است. مروری بر حوادث عرصه بین الملل و به ویژه جهان اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که بخش قابل توجهی از آن ها ارتباط مستقیم با پیروزی انقلاب اسلامی داشت بیانگر آن است که این انقلاب در صدد ایفای نقش جهانی بوده و هست.

وقوع انقلاب اسلامی در منطقه پیامدهایی را به دنبال داشت؛ از جمله اینکه عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه را متحول ساخت؛ به طوری که ایدئولوژی اسلام و مفاهیم و آموزه های انقلابی آن، علاوه بر اینکه رقیبی جدی برای لیبرالیسم غرب محسوب گردید، به عنوان عاملی ژئوپلیتیک، نظر بسیاری از صاحب نظران غربی را به خود جلب کرد. در این میان به نظر می رسد که انقلاب اسلامی و به ویژه ماهیت و ایدئولوژی آن مبنای خود آگاهی و بیداری در سایر جنبش های اسلامی در کشورهای دیگر بوده است. در واقع آنچه مابه هراس و نگرانی ابرقدرت ها و قدرت های جهانی از یکسو و بیداری اسلامی در سایر مناطق از سوی دیگر شده است، فکر جدید، انسان جدید و مناسبات انسانی- معنوی جدیدی است که انقلاب اسلامی مطرح کرده است و این تفکر ارتباط مستقیمی با اسلام شیعی (عنصر مذهب) دارد. تا پیش از انقلاب ایران دین اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می شد؛ اما انقلاب ایران جنبه های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت در آورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلاب های بزرگ تاریخ را دارد.

مؤلفه‌های فرهنگی- ارزشی انقلاب اسلامی طی فرآیندی تدریجی، تغییر قابل توجهی در متغیرهای رفتاری و باورهای اسلامی- هویتی مردم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در مواجهه با ساختارهای سیاسی حاکم ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد شود و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و بازتعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومت‌داری و احیای نقش دین به‌عنوان عنصری تأثیرگذار بر تحولات جهانی، توانست به زنده کردن هویت اسلامی بر اساس پیوند دین و سیاست مبادرت کند.

پیروزی انقلاب اسلامی، تشیع و در سطح وسیع‌تر اسلام را به عنوان مهم‌ترین کارگزار در سطح شیعه و جهان اسلام مطرح کرده است؛ به طوری که بسیاری از جنبش‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی مبارزاتی خود قرار داده‌اند. در واقع انقلاب اسلامی ایران به همان سان که در بعد نظری، در محدوده جغرافیایی خاصی محصور نماند و اهداف و آرمان‌های سیاسی- اجتماعی جهانی را پی‌ریزی نمود، در حوزه عملی نیز استراتژی خویش را به گونه‌ای سامان داد که دقیقاً اهداف جهانی و انسانی انقلاب را مورد توجه قرار دهد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وقوع بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز دارای پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران است (جهانگیر و اسمعیلی، 1391: 33-32).

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که بهره‌گیری از دین و هویت اسلامی در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام خمینی (ره) بر جنبش بیداری اسلامی است. با این پیش‌زمینه، در ادامه تلاش می‌شود تا به بررسی بیداری اسلامی در کشورهای تونس، مصر و لیبی پرداخته شود.

بیداری اسلامی در مصر

موج بیداری اسلامی در مصر، از نخستین امواج خروشان مردمی بود که علیه حاکمیت استبداد و حکومت های دست نشانده استعمار در منطقه به راه افتاد. مصر با جمعیت 85 میلیون نفری نیمی از جمعیت کل اعراب را تشکیل می دهد و به دلیل مجاورت با فلسطین اشغالی از اهمیت و تأثیر گذاری بالایی در جهان اسلام برخوردار است.

حکومت های مرتجع سلطنتی عرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به عنوان یک تشکل اسلامی مسلمان احساس خطر می کردند. به دنبال همین موضوع در ابتدا درصدد حفظ مبارک برآمدند و با به زیر کشیدن مبارک توسط مردم این کشور، تمام تلاش خود را برای ممانعت از پیروزی اخوان المسلمین به کار بردند؛ و پس از پیروزی «محمد مرسی»، در پس لبخندهای دیپلماتیک و در قالب حمایت از انتخاب مردم، سیاست های قهر آگین پیش گرفته و به ضربه زدن به جریان های اسلامی در مصر پرداختند.

الف) انحراف مرسی از خط مشی انقلابیون

مرسی نیز که با اختلاف کم آرا به پیروزی رسیده بود برای حفظ قدرت، با سلفی های تندرو، هم پیمان شد و ابتکار عمل در امور کشور را به دست آمریکا و رژیم صهیونیستی داد، به خواسته های انقلابیون از جمله لغو کمپ دیوید و قطع ارتباط با رژیم غاصب اسرائیل کم توجهی کرد و در مقابل فرقه گرایی و اقدامات تکفیری ها علیه شیعیان که منجر به جنایات فجیعی شده بود، بی توجهی نشان داد و به تدریج طرفداران خویش را به مخالفین تبدیل کرد و صفوف مخالفین متحدتر شد.

مرسی در سیاست خارجی با سوریه قطع رابطه نمود و از تروریست های این کشور حمایت کرد. ارتباط خود با رژیم صهیونیستی را حفظ و حتی در متن استوارنامه به طور غیرمتعارفی به عرض ارادت به شیمون پرز پرداخت. همچنین از برقراری رابطه با ایران امتناع ورزید در حالی که چندین نظرسنجی از جمله نظرسنجی نیویورک تایمز نشان می داد که 65 تا 85 درصد مردم مصر معتقد بودند رابطه با ایران به نفع آنان است.

مرسی تصور می کرد تنها با نشستن بر کرسی «حسنی مبارک» و بدون تغییر ساختار حکومت می تواند از طریق رفراندوم خواسته های انقلاب را به نتیجه برساند. همین تصور در اخوان المسلمین موجب شد انقلاب را نیمه کاره رها کرده و به رفراندوم روی آورد.

شورای نظامی به رهبری محمدحسین طنطاوی، وزیر دفاع رژیم پیشین که به دنبال سقوط مبارک قدرت در این کشور را به دست گرفته بود، به گونه‌ای رفتار می‌کرد تا مردم از حرکت‌های انقلابی خود خسته و ناامید شوند و تلاش کرد با تغییر چند مهره در ساختار سیاسی حکومت، افکار عمومی را فریب دهد. این شورا هرگونه تلاش برای اصلاحات اقتصادی را ناکام و کشور را به سمت بحران اقتصادی پیش برد.

عناصر رژیم مبارک، آمریکا، رژیم صهیونیستی، غربی‌های حامی صهیونیسم و کشورهای مرتجع عربی از این فرصت استفاده کرده و به بهانه حمایت از مردم، کودتایی را سازمان‌دهی کرده و در راه حفظ این دستاورد دست به کشتار فجیعی زدند. کودتا و کشتار مسلمانان توسط ارتش، اخوان‌المسلمین را از خواب بیدار کرد درحالی‌که این تشکل اسلامی باید هزینه گزافی پردازد.

رژیم صهیونیستی و حکومت‌های مرتجع عرب برای ممانعت از به قدرت رسیدن مجدد مسلمانان و حفظ کودتا، اثبات کردند که حاضر به انجام هر نوع جنایتی هستند. در این میان شورای نظامی آن‌هم کوشیدند تا با برکناری برخی مهره‌ها مثل دولت عصام شرف نخست‌وزیر دولت موقت و دادن وعده‌هایی مبنی بر برگزاری انتخابات عادلانه، مردم را فریب داده، به خانه‌های خود بازگردانند تا در شرایطی آرام بتوانند بر اوضاع مسلط شوند اما موج دوم بیداری نشان داد که مردم مبارز و مسلمان مصر هرگز به برخی تغییرات ظاهری در این کشور قانع نبوده و تا تحقق آرمان‌های انقلابی خود که بی‌تردید از آرمان‌های دینی و اسلامی این مردم سرچشمه گرفته است از پای نخواهند نشست.

ب) پایداری مردم بر خواسته‌های انقلابی

موج دوم انقلاب مردمی در مصر را می‌توان شکست سناریوی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی در این کشور توصیف کرد و به همین دلیل در وضعیت جدید، مقامات ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به‌طور روزافزون تحولات مصر را رصد می‌کردند. نگرانی اصلی آنان به ثمر نشستن حرکت‌های اسلامی در منطقه و به‌ویژه در کشور مصر است. مردم مسلمان مصر به‌ویژه جوانان پرشور و انقلابی این کشور بر اساس ارزیابی خوش‌بینانه و با توجه به ماهیت دینی گروه اخوان‌المسلمین، انتظار داشتند که این گروه نظارت دقیق‌تری بر روند امور داشته باشد و با پیگیری و زمینه‌سازی برای تأسیس یک نظام سیاسی عادلانه و اسلامی، دستاوردهای انقلاب مردم مسلمان مصر را تکمیل نمایند. نظام سیاسی مطلوب مصر نظامی است که متکی بر اراده مردم و رضایت

عمومی باشد و به‌طور طبیعی ملتی با اکثریت قریب به اتفاق مسلمان نمی‌تواند به چیزی جز حاکمیت دین و قوانین اسلام بیندیشد؛ چراکه هر نظام سیاسی به‌جز نظام دینی نخواهد توانست در راستای اهداف انقلابی مردم مسلمان مصر قرار گرفته و رضایت عمومی را به دست آورد.

بیداری اسلامی در تونس

چند روز پس از فرار دیکتاتور تونس به عربستان، «راشد الغنوشی» از سران مخالفان به همراه 70 تن دیگر از مخالفان رژیم بن علی پس از 20 سال تبعید به تونس بازگشت و اعلام کرد قصد دارد «حزب اسلامی تونس» را تأسیس کند. انقلاب تونس که به انقلاب یاسمین نیز شهرت یافت گرچه در ابتدا با خودسوزی جوان دست‌فروش تونس آغاز شد، اما در واقع راهگشای سقوط حکومت‌های دیکتاتوری منطقه شد (افکار نیوز، 1391: 6).

یک سال پس از مرگ بوعزیزی تونس شاهد تغییر و تحولات بزرگی بود و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان و پیروزی قاطع حزب اسلام‌گرای «النهضة» در آن مهر تأییدی بر اسلامی بودن انقلاب تونس محسوب می‌شد. انتخابات تونس نیز با مشارکت 70 درصدی و 9 ماه پس از فرار بن علی برگزار شد و اسلام‌گرایان توانستند با کسب 40 درصد آرا و 90 کرسی از 217 کرسی مجلس مؤسسان این کشور اکثریت پارلمان را از آن خود کنند (خبرگزاری فارس، 1391: 7).

اسلام شمال آفریقا به‌ویژه تونس اسلام اعتدال است؛ چون محیط بحران در آفریقا کمتر از خاورمیانه است و بحران‌هایی مثل مناقشه اعراب-اسرائیل در آنجا وجود ندارد؛ اما با این حال تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تونس و تحولات اخیر در آن، وضعی را که طی آن در دوران بورقیه و بن علی نمادهای مذهبی از سطح جامعه برچیده شده بود تغییر داد و فضای جدیدی ایجاد کرد. در فضای جدید و با تلاش اسلام‌گرایان صدای اذان مسجد، نماز جمعه و سایر نمادهای مذهبی دوباره دیده و شنیده می‌شود. در این بین نجیب الشابی یکی از وزیران دولت موقت تونس که از رهبران احزاب مخالف زین العابدین بن علی دیکتاتور مخلوع محسوب می‌شد، با اشاره به دیدار نخست‌وزیر با بزرگ‌ترین حزب اسلامی تونس (النهضة) از ورود اسلام سیاسی میانه‌رو به عرصه تصمیم‌سازی این کشور خبر داد.

از آغاز خیزش مردم تونس، غرب به‌ویژه آمریکا در تلاش بود تا قیام مردم تونس را دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه نشان دهد، نه اسلام‌خواهی و این در حالی است که تونس‌ها

در طول قیام، متأثر از انقلاب اسلامی و به مانند مردم ایران در طی انقلاب اسلامی، در راهپیمایی‌ها و تظاهرات گسترده خود شعارهای اسلامی سر می‌دادند و بر همین اساس مقامات ارشد ایران، از جمله رهبر معظم انقلاب در سخنان خود، خیزش مردم منطقه به ویژه تونس را از همان ابتدا بیداری اسلامی توصیف کردند. شمارش آرای انتخابات مجلس مؤسسان تونس نیز نشان داد که حزب اسلام‌گرای النهضة جایگاه بسیار مهمی در این کشور دارد. پیروزی اسلام‌گرایان در تونس، پیام‌های خاصی را در دل خود جای داده است. پیام‌هایی که مخاطبان آن هم غرب به رهبری آمریکا است و هم کشورهای به پاخاسته منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا.

اولین و مهم‌ترین پیام پیروزی اسلام‌گرایان این بود که قیام مردم تونس اسلامی بوده نه سکولار و اصلاح‌طلبانه؛ پیامی که صحت برداشت و تعبیر ایران از خیزش مردم تونس را به اثبات رساند. از طرف دیگر پیروزی حزب اسلام‌گرای النهضة پاسخ روشنی به غرب و آمریکا بود که تلاش داشتند خیزش تونسی‌ها را سکولار نشان دهند. الغنوشی، رهبر حزب اسلام‌گرای تونس نیز از ضرورت تشکیل دولت اسلامی سخن می‌گفت (جهانگیر و اسمعیلی، 1391: 38 - 37).

بیداری اسلامی در لیبی

لیبی برای یکی از معدود دفعات، اعتراضات سراسری پس از کودتای 1969 سرهنگ قذافی را به معنای کامل آن تجربه کرد. آتش اعتراض که از تونس زبانه کشید، پس از مصر و یمن، دامن لیبی را گرفت اما در این کشور، نه مانند تونس و مصر به سرعت به تغییر حکومت انجامید و نه مانند یمن و بحرین در سطح مناقشات جدی داخلی باقی ماند (جهانگیر و اسمعیلی، 1391: 45 - 44).

مواضع اخوان المسلمین در تحولات لیبی

در دهه هشتاد گروه‌های اسلامی و ملی مخالف رژیم لیبی برای سرنگونی سرهنگ قذافی خط‌مشی مسلحانه و قهرآمیزی اتخاذ نمودند ولی اخوانی‌های لیبی کماکان از خط‌مشی گذشته و سنتی خود عدول نکردند. از دیدگاه امنیتی لیبی، جریان‌ات و گروه‌های اسلامی از جمله اخوانی‌ها، حرکت التجمع الاسلامی (در سال 1992 تأسیس شد) و گروه

نئوسلفی الجماعه الاسلامیه المقاتله اللیبیه، خطر اول برای امنیت ملی کشور محسوب می‌شدند.

اخوان المسلمین یا گروه‌های اسلامی سیاسی، در مصر، تونس، لیبی، سوریه، یمن و اردن خواهان ایفای نقش در دولت‌های آینده هستند. احزاب اخوان المسلمین که مواضع مخالف با نظام‌های حاکم دارند، به دلیل استبداد نظام‌های حاکم و اقدامات نظام‌های سرکوبگر از موقعیت مردمی خوبی برخوردارند. در واقع این گروه‌های اسلامی نوعی میانه‌روی را بین نظام‌های حاکم و گروه‌های افراطی حاکم و گروه‌های افراطی انتخاب کرده‌اند، چرا که قلع و قمع نظام‌های سرکوبگر و مواضع تند گروه‌های افراطی را به یک اندازه محکوم می‌کنند (جهانگیر و اسمعیلی، 1391: 48-47).

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه

نوع و نحوه تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی را می‌توان در مواضع، اهداف، شیوه رفتاری و خواسته‌های انقلابیون عرب جست‌وجو کرد. در واقع بررسی نشانه‌ها، علائم و نیت مردم انقلابی تونس، مصر، یمن، بحرین و لیبی در مراحل مختلف قبل، حین و پس از پیروزی انقلاب‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها در واقع چه می‌خواهند و از کدام یک از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته و در صدد دستیابی به آن هستند. برخی از مهم‌ترین نمودها و بروزهای قدرت نرم انقلاب اسلامی در پیدایش، گسترش و پیروزی انقلاب‌های عربی را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد:

الف) نمادگرایی، هویت اسلامی و ایدئولوژی سیاسی

در انقلاب‌های عربی، عنصر خودآگاهی و هویت‌یابی اسلامی نقش بسیار پررنگ داشته است. بیش از یک قرن در خاورمیانه احساس تحقیر و عقب‌افتادگی مطرح بوده و مسلمانان به دنبال خروج از آن وضعیت بوده‌اند. در حقیقت از این شرایط، سنتزی جدید پدید آمده است که اعراب به دنبال تعریف هویت اسلامی مترقیانه برای خود می‌کشاند. نشانه‌های کنونی هویت‌جویی اسلامی در خاورمیانه که بیش از هر چیز بر توده‌های خواهان حکومت مردمی استوار شده، پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. برای مثال، مردم بحرین با پرچم‌های «یا حسین (ع)»^۴ به خیابان‌ها آمده و با ندای یا علی (ع)^۵ و یا زهرا (س)^۶ به خاک افتاده و به شهادت رسیده‌اند. آمیخته شدن راهپیمایی‌های مردم بحرین با سینه‌زنی و پوشاندن تابوت‌های شهدا

با پارچه‌های مزین به عبارت «علی ولی‌الله»، اقامه نمازهای جمعه و جماعت در معابر عمومی، انجام شعائر اسلامی در مراکز دولتی و ... نشانه‌های از این هویت‌طلبی اسلامی سرکوب شده هستند؛ بنابراین، این یک فرصت تاریخی برای شکل‌گیری هویت اسلامی به معنای واقعی است. این هویت نه از درون دولت‌ها بلکه با یک جریان مردمی و از متن شکل می‌گیرد (جمالی، 1390: 8).

در انقلاب‌های عربی همانند انقلاب اسلامی، به همان اندازه که نمادگرایی شدید وجود دارد، نمادزدایی از طاغوت و استبداد نیز شدید بود. رفع نشانه‌هایی مانند تصاویر حسنی مبارک، قذافی، آل خلیفه، علی عبدالله صالح و ... با اشتیاق زائدالوصف توسط انقلابیون انجام می‌شود. «نمادهای مکانی» نیز به کانون همبستگی فزاینده مردم انقلابی عرب تبدیل شده است. میدان التحریر در قاهره یکی از مکان‌های مهم است و این میدان بی‌تردیدی نقطه عطف در تاریخ انقلاب مصر تبدیل شد. این مکان که نام فارسی آن میدان آزادی است در قیام مردم ایران نیز چنین نقشی ایفا کرد و سال‌ها تصاویر جمعیت گرد هم آمده در این میدان، پوستر دیوارها شده است. میدان التحریر، التغییر صنعا و اللؤلؤ منامه، آن‌ها را به مراکز نمادین قدرت انقلاب‌های عربی تبدیل کرد (جمالی، 1390: 8).

ب) معنویت‌گرایی در سیاست

جوزف نای قدرت نرم را عبارت از «توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت» می‌داند (نای، 1387: 43)؛ که در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود (نای، 1387: 51). مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آن‌ها را قانع می‌سازد که موضوعی را بپذیرد یا مانند آن عمل کنند و به هیچ‌وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد شد.

هرچند شاید انقلاب‌های عربی به‌طور دقیق و کامل از جنس و گونه‌ای که در ایران رخ داد، نباشد، اما فاقد نشانه‌های اسلامی و معنوی نیست. آرمان‌ها و نمادهایی وجود دارد که می‌توان گفت جریان‌های اسلامی در شکل‌گیری این جنبش مؤثر بوده‌اند و در تحولات بعدی آن نیز نقشی مهم خواهند داشت. برای نمونه، در تونس که حجاب ممنوع بود و به‌شدت با مسلمانان برخورد می‌شد، زنان محجبه حضوری پررنگ در اعتراضات داشتند و

چون در این کشور مساجد تحت فشار بودند و به صورت امنیتی اداره می‌شدند، نخستین پدیده‌ای که پس از پیروزی رخ می‌دهد، برپایی نماز جماعت در تظاهرات و در سطح خیابان‌ها بود؛ یعنی اینکه نمی‌توان نقش اهداف و سبب‌های مذهبی در این انقلاب را نادیده گرفت (نوربخش، 1390: 9).

آغاز تحركات اعتراضی از مسجد و با انجام مناسک دینی نظیر نماز جمعه و نمازهای جماعت، آمیختگی جدانشدنی و تمایزناپذیر ادبیات مردم و جوانان با ادبیات دینی چشمگیر بود. به نظر می‌رسد فرآیند تحولات درونی جنبش‌های کنونی در مجموع به سوی انطباق هویت اجتماعی-دینی با هویت سیاسی پیش می‌رود. این فرآیند از وجهی یا به شکل‌گیری جریان‌ها و نیروهای سیاسی-معنوی تازه منجر خواهد شد، یا اینکه به تحول جریان‌ها و نیروهای موجود در مسیر دستیابی به توان لازم برای انعکاس هویت دینی و اجتماعی در چارچوب هویت سیاسی معنویت‌گرا منتهی می‌شود.

این همان معنای قدرت نرم انقلاب اسلامی است که بدون کاربرد زور و تنها به خاطر این که این عمل مورد رضایت انقلابیون است و آن را راه مناسبی برای خواسته خود می‌یابند، بدان کار مبادرت ورزیده‌اند؛ بنابراین، قدرت نرم انقلاب اسلامی در ماهیت فرهنگی آن نهفته است که می‌تواند توسط کشورهای هم‌آیین مورد بهره‌برداری قرار گیرد (جمالزاده، 1391: 71).

پ) ضدیت با رژیم‌های دیکتاتور و ضد اسلامی

یکی دیگر از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضد اسلامی است، چرا که اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آنجا حکومت می‌کرد و لذا اشاعه این انقلاب قدرت نرم انقلاب اسلامی به انقلاب‌های عربی دیگری بر تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌ها است. مردم تونس، مصر، بحرین، لیبی و یمن حاکمانی را سرنگون کردند که ماهیت آن‌ها کاملاً دیکتاتوری و ضد اسلامی بود و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا بودند. این حاکمان به ظاهر اسلامی، پس از روی کار آمدن، مبارزه گسترده‌ای را در جهت مقابله با اسلام و فرهنگ اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرا در کشور خویش آغاز نمودند تا آنجا که نمادهای اسلامی را محو کردند که نمونه‌های آن، جلوگیری از

برگزاری نماز جمعه و جماعات، منع حجاب، برپایی مراکز فساد و فحشا، رباخواری و ظلم در سیستم اداری و ... بود (عباسی و دیگران، 1390: 116).

ت) روحیه شهادت‌طلبی

ناب‌ترین درسی که شیعیان از نهضت امام حسین (ع) می‌گیرند، آرزوی شهادت در راه آن حضرت است. این خصیصه منبعی از قدرت نرم ایجاد می‌کند که هیچ‌کدام از انواع قدرت سخت و نرم در برابرش تاب مقاومت ندارد. «یک دیکتاتور ظالم می‌تواند یک مخالف را حبس یا اعدام کند؛ اما اگر آن شخص مسئله مرگ را برای خودش حل کرده باشد (شهادت طلب باشد) در آن صورت این قبیل کارها دیگر باعث اثبات قدرت دیکتاتور نمی‌شوند» (نای، 1387: 39).

فوکو می‌گوید: وقتی درست پس از کشتار ماه سپتامبر (17 شهریور) به ایران وارد شدم، به خود می‌گفتم که با شهری وحشت‌زده رو به رو خواهم شد؛ چون در آنجا چهار هزار نفر کشته شده بودند، نمی‌توانم بگویم که در آنجا مردانی شاد و مسرور دیدم، اما از ترس، خبری نبود و حتی شجاعانشان بیشتر هم شده بود. به عبارت دقیق‌تر؛ وقتی مردم خطر را بی‌آنکه دفع شده باشد، پشت سر می‌گذارند، شجاعانشان بیشتر می‌شود. مردم در انقلابشان خطر مسلسل‌هایی را که همیشه در مقابلشان قرار داشت پشت سر گذرانده بودند (فوکو، 1380: 63).

امام خمینی (ره) فرمود: «منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم به بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم، به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد» (امام خمینی، 1357: 98). هر اندازه رسانه‌های خارجی تلاش کنند تا ماهیت اسلامی و استکبارستیز این بیداری و انقلاب سراسری را نبینند و این حرکت اسلامی و مردمی را صرفاً اعتراضی در راستای برقراری دموکراسی ارزیابی کنند، اما بهره‌گیری از مفهوم شهادت و شهید برای کشته‌شدگان نشان‌دهنده ماهیت اسلامی، ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی مردم است. شیخ مظهر شاهین، خطیب انقلابی و امام جماعت مسجد «عمر مکرم» قاهره در جمع حاضر در میدان التحریر با ابراز انزجار از آمریکا و اسرائیل، شهادت را آرزوی مصر می‌داند و می‌گوید: «از امروز دیگر هرگز نخواهیم ترسید و فرار نخواهیم کرد و به انقلاب باشکوه خود ادامه خواهیم داد تا مجد و بزرگی به امت اسلامی برگردد و به دنبال آرزوی شهادت

هستیم و به پیروزی انقلابمان ایمان نخواهیم آورد مگر آنکه در مسجدالاقصی نماز گذاریم» (عباسی و دیگران، 1390: 121 - 120).

ث) خلق اراده جمعی، مردم‌گرایی و عدم خشونت

حضور اقبال مختلف مردمی در متن اعتراض‌ها، یک ویژگی مهم انقلاب مصر بود که در آن احزاب و گروه‌های الغد، الوفد، التجمع، اخوان المسلمین، حزب ناصری، «جمعیت ملی برای تغییر» و حتی برخی شخصیت‌های مشهور و مستقل به تدریج اعلام همبستگی و حضور کردند (Goldstone, 2011: 23).

در بحرین شعار «نه شیعه، نه سنی، بحرینی» پاسخی روشن به تاکتیک آل خلیفه بود که می‌کوشید انقلاب بحرین را به شیعیان محدود کند. در مصر نیز مسلمانان و مسیحیان کنار هم در میدان التحریر پیدا کردند. در یمن، طیف چپ‌گرایان و ملی‌گرایان جنوب دست اتحاد به شیعیان الحوثی شمال دادند. این به معنای شکل‌گیری و گسترش اراده جمعی بین مردم کشورهای انقلابی است.

نفی خشونت و سرنگونی تدریجی و مسالمت‌آمیز حکومت یکی از رویکردهای مهم مبتنی بر مردم‌محوری است. این شیوه رفتار تا پیش‌ازین، منحصر به انقلاب اسلامی بوده است. شیوه رفتار انقلاب‌های مصر، یمن، تونس و بحرین به روشنی نمایانگر نوعی عقلانیت جمعی است (Hamid, 2011: 9).

ج) اسلام شیعی

نخستین تحلیل‌های محققان پدیده انقلاب اسلامی برای تبیین کانون جوشان انقلاب اسلامی، توجه به مذهب تشیع بوده است. اسکاچیل می‌نویسد: «اسلام شیعه هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه، نقشی حیاتی داشت» (Skocpol 1982: 272).

مفهوم عدالت، نظریه امامت، غیبت و انتظار، اجتهاد، شهادت، تقیه، بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تولی و تبرأ، نمادهای روشن تاریخی عوامل حرکت آفرین دینی در انقلاب اسلامی بوده‌اند (هنری لطیف‌پور، 1380: 82 - 79).

در همین راستا، مخازن فکری آمریکا از سال‌ها قبل سناریوهای جغرافیای سیاسی شیعه را به عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده‌اند. برای مثال، مرکز پژوهشی

«شورای روابط خارجی»¹ که اثرگذاری قابل توجهی بر کانون‌های قدرت و ساختارهای حاکمیتی دارد، در پنجم ژوئن 2006 میزگردی را با عنوان «بررسی هلال شیعه: آثار آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا» به ریاست «ریچارد هاس»² برگزار و تصریح کرد جغرافیای سیاسی شیعه در خاورمیانه، پتانسیل بالایی برای شکل‌گیری برخی خیزش‌های دموکراتیک در میان مدت دارد که در برخی حوزه‌ها، اصطحکاک‌هایی را با منافع خاورمیانه‌ای آمریکا دارد.

از منظر ریچارد هاس آینده تحولات خاورمیانه حوزه رقابت قدرت نرم آموزه‌های دین اسلام و قدرت نرمی است که جوزف نای بر آن تأکید می‌نمود که مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی است، اما این بار این قدرت در خاورمیانه اسلامی بر اساس قدرت نرم اسلام و انقلاب ایران در حال شکل‌گیری است. (THE Emerging Shia Crescent Symposium, 2006: 19)

چ) ساختار و قدرت شبکه‌ای

انقلاب اسلامی ایران، مبتکر بهره‌گیری از قدرت شبکه‌ای مهارناپذیر مردمی شناخته می‌شود. پیوند عمیق شبکه مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه، جلسات وعظ و سخنرانی مذهبی، علما و روحانیان، مراکز و نهادهای خیریه و...، طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران را دور از دست‌اندازی حکومت پهلوی به یکدیگر متصل می‌نمود. در روند شبکه‌ای شدن قدرت در انقلاب‌های عربی، امور و مسائل سیاسی نه امری مستقل و خارج از زندگی اجتماعی بلکه جزئی از زندگی روزمره فردی محسوب می‌شود و از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌شود. در انقلاب 22 بهمن 1389 مصر، این نقش را شبکه‌های اجتماعی ارتباطی-الکترونیک پیشرفته ایفا می‌کنند. در خیابان‌های قاهره و دیگر شهرها را نیز اعضای شناسا، اما مصمم، همین شبکه‌های قدرت مردمی، تشکیل می‌داد (Bayat, 2011: 14).

این مشارکت شبکه‌ای و گسترده، به معنای مشارکت همگانی در شکل‌دهی به دنیای جدید است و سبب می‌شود پیشبرد اهداف جنبش به شخص یا اشخاص خاصی وابسته نشود. به نظر می‌رسد، جنبش‌های اجتماعی از این پس دست کم در مراحل آغازین، بیش از

1. Council on Foreign Relation
2. Richard N. Hass

سازمان‌دهی و رهبری به پیدایی و گسترش شبکه‌های اجتماعی و قدرت شبکه‌ای نیاز دارند (نبوی، 1390: 34).

در انقلاب‌های عربی، اکثریت مردم نقش آفرینی گسترده‌ای در تداوم انقلاب دارند. ابتکاراتی مانند تجمع در میدان‌های اصلی شهرها، برپا کردن چادر، بیتوته کردن در میدان‌ها و خیابان‌ها، پشتیبانی و تدارکات همگانی و... در نتیجه ارتباطات شبکه‌ای-افقی و همگانی حاصل شده است.

ح) مبارزه با صهیونیسم

انقلاب اسلامی با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی، شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان از عمق توجه ایران اسلامی به مسئله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت. انقلاب اسلامی توانست با ارتقای بیداری و آگاهی جهان اسلام به آرمان فلسطین، مظلومیت‌های مردم مبارز فلسطین را برملا سازد و از فلسطینیان بی‌پناه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی حمایت جهانی به عمل آورد. بدین ترتیب، خارج کردن مبارزات ضد صهیونیستی از حصارهای تنگ قومی، عربی، سرزمینی و ملی‌گرایانه و بخشیدن جنبه‌ای اسلامی و ایدئولوژیک به آن، موجب گردید مبارزات مردم فلسطین ابعاد گسترده‌تری یابد. در واقع، با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به‌عنوان اصول اساسی جهاد از سوی گروه‌های اسلامی و تأکید آنان بر شهادت و فداکاری در راه هدف، انقلاب اسلامی توانست نقش خود را در جهانی کردن مسئله و تعمیق مبارزات آزادی‌بخش اسلامی در فلسطین، مبارزه با صهیونیسم را ابعادی جهانی بخشد و نقش خود را در گسترش بعد مبارزاتی جهانی اسلام با رژیم صهیونیستی به منصفه ظهور رساند (دهشیری، 1385: 78).

یکی از علل ایجاد حرکت‌های اعتراضی در این کشورها و نشانه اسلام‌خواهی آن‌ها، دوستی دولت‌های این کشورها با اسرائیل است که موجب خشم و تنفر و تحقیر مردم این مناطق شده است. سرنگونی مبارک، تقویت مطالبات مردمی و اسلام‌گرایی مردم عرب باعث مخالفت بیش‌ازپیش با این رژیم شده است. جهان عرب هم به جهت ایدئولوژی و

هم از لحاظ ملی‌گرایی نسبت به موضوع فلسطین زخم خورده‌اند. از بین رفتن حکومت‌های سرکوبگر و همراه با این رژیم، مجال دشمنی و ستیز آشکار با اسرائیل را وسیع‌تر کرده است که نمونه این ستیزهای اخیر، حمایت مردمی از ملت فلسطین، بازگشایی گذرگاه رفح و... بود تسخیر سفارت رژیم اسرائیل در قاهره به همراه تظاهرات پی‌درپی برای قطع روابط سیاسی و الغای پیمان کمپ دیوید، نمونه دیگری از این تحول درونی مصر پس از انقلاب بود (میلشتاین، 1390: 292).

خ) خاورمیانه اسلامی جایگزین خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با شکست مواجه شد زمینه برای تحقق خاورمیانه جدیدی فراهم کرد و این خاورمیانه چیزی نبود جز خاورمیانه اسلامی. خاورمیانه اسلامی که نطفه آن با انقلاب اسلامی منعقد شده بود و با اتخاذ راهبرد صدور انقلاب آن‌هم در بعد تربیتی زمینه‌های تحقق آن فراهم شده بود، با به راه افتادن موج عظیم بیداری اسلامی و خیزش‌های اسلامی در منطقه شتاب تازه‌ای به خود گرفته است. روند شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی که با شکست آمریکا در دو جنگ افغانستان و عراق و شکست اسرائیل در دو جنگ 33 روزه و 22 روزه تسریع یافته بود، با به راه افتادن موج عظیم بیداری اسلامی که به تعبیر مقام معظم رهبری متأثر از اسلام و انقلاب اسلامی است و یک حرکت تمام‌شدنی و رو به عقب نبوده وارد فاز جدیدی شده است (اسدی، 1390: 16).

بار دیگر اهداف آمریکا را از اجرای طرح خاورمیانه بزرگ بازخوانی می‌کنیم و دلایل شکست این طرح را با توجه به اهداف آن، بیان می‌کنیم.

1. «امنیت و بقای اسرائیل از مهم‌ترین اهداف خاورمیانه‌ای سیاست خارجی آمریکا بوده است». اگر بخواهیم به جایگاه رژیم صهیونیستی در این دو خاورمیانه پردازیم؛ در طرح خاورمیانه بزرگ اسرائیل به‌عنوان ژاندارم منطقه و قدرت برتر نظامی شناخته می‌شد و بالطبع این رژیم که پاسخگوی هیچ‌یک از جنایات و اشتباهات خود نبوده و نیست، آن وقت دیگر با قباحت تمام به اجرای طرح‌های خود از جمله حذف کامل فلسطین، یهودی‌سازی قدس و ادامه شهرک‌سازی‌ها، بازنگشتن آوارگان به موطن خود و ... ادامه می‌داد؛ اما در خاورمیانه اسلامی که پس از خیزش‌های اسلامی نظم ژئوپلیتیک جدیدی به

خود گرفته و با تغییر توازن استراتژیک در منطقه که هر چه به جلو می‌رویم به نفع محور مقاومت و به ضرر محور سازش با اسرائیل بوده است؛ مهم‌ترین بحرانی که رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند؛ بحران موجودیت و مشروعیت است (اسدی، 1390: 16).

2. «بر سر کار آمدن رژیم‌های دوست، یکی دیگر از اهداف آمریکا است». در ذیل اتفاقات رخ داده در بعضی از کشورهای خاورمیانه را که شاهد و دلیلی بر تحقق نیافتن دومین هدف آمریکا از اجرای طرح خاورمیانه بزرگ را ذکر می‌نماییم:

عراق- دولت آمریکا که عراق را به‌عنوان نقطه آغاز طرح خاورمیانه بزرگ معرفی کرد بر لزوم ایجاد عراق لیبرال، سکولار و غرب‌گرا به‌عنوان نمونه‌ای آرمانی و الگویی مناسب برای تمام کشورهای عربی تأکید می‌کرد، ضمن هجوم نظامی گسترده به عراق و کشتار مردم مسلمان عراق در طول چند سال اشغالگری خود از تمام ابزارهای فرهنگی و سیاسی برای ترویج ارزش‌های آمریکایی در میان مردم عراق استفاده و میلیاردها دلار برای آمریکایی‌سازی عراق سرمایه‌گذاری کرد؛ اما به اعتراف خود آمریکاییان، پروژه آمریکایی‌سازی در عمل با شکست مواجه شد و اقدامات آمریکا نه‌تنها نتیجه‌ای دربرداشت؛ بلکه رشد اسلام‌خواهی و «بیداری اسلامی» در میان ملت مسلمان عراق را موجب شد و با برگزاری انتخابات، شیعیان تربیت‌یافته مکتب انقلاب اسلامی ایران، قدرت را در دست گرفتند. در حقیقت، هجوم نظامی- فرهنگی آمریکا به کشور اسلامی عراق موجب تقویت جبهه مقاومت و اسلام‌گرایان در منطقه شد و در همان مرحله اول، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را با شکست مواجه ساخت (بولتن فجر، 1389: 13).

افغانستان- حادثه 11 سپتامبر موجب شد که آمریکا به بهانه واهی حمله تروریست‌های مسلمان به آمریکا، لشکرکشی عظیمی به افغانستان کند و صدها هزار نفر از مردم مسلمان و بی‌گناه این کشور را به قتل رساند؛ اما در عمل، تلاش‌های آمریکا برای ایجاد دولتی دست‌نشانده با وجود سرمایه‌گذاری‌های هنگفت نظامی، سیاسی و اقتصادی بی‌نتیجه ماند و مردم افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی- زبانی با ایران، از انقلاب اسلامی الهام گرفتند و همواره در راه آزادی و نجات کشور خویش گام برداشته‌اند. امروزه شاهد هستیم که جمهوری اسلامی ایران به مراتب بسیار بیشتر از آمریکا در میان ملت و دولت افغانستان محبوبیت دارد و دو کشور، ارتباطات گسترده‌تری با هم دارند.

کشتار هر روزه مردم بی‌گناه افغانستان به دست نیروهای آمریکایی، موجی از نفرت را نسبت به اشغالگران پدید آورد که در تظاهرات و اجتماع‌های اعتراض‌آمیز مکرر و مداوم به وضوح مشهود است و همچنین موج نفرت و بدبینی که هم تمام مردم ستمدیده افغانستان را در بر گرفته و هم نخبگان و سیاستمداران افغانستانی را شامل می‌شود، آمریکا را در دستیابی به اهداف خود ناکام ساخته و به اعتراف خود آمریکاییان، در این کشور شکست خورده‌اند و جایگاهی ندارند.

لبنان- درخشش حزب‌الله، فرزند انقلاب اسلامی در لبنان، نقطه اوج پیروزی فرهنگ مقاومت اسلامی و شیعی محسوب می‌شود. اقتدار معنوی و نظامی حزب‌الله لبنان در منطقه و پیروزی‌هایی که در مقابل رژیم صهیونیستی به دست آورد، ضمن انتشار پیام الهام‌بخش فرهنگ نجات‌بخش مقاومت در میان ملت‌های مسلمان منطقه و دنیا انگیزه‌ای فزاینده برای جنبش‌های رهایی‌بخش سراسر دنیا در جهت رهایی ملت‌های ستمدیده از چنگال استبداد و امپریالیسم بوده است. آمریکا و غرب، انواع توطئه‌ها را که آخرین آن، دادگاه ترور رفیق حریری است، به کار بستند تا ضمن خلع سلاح حزب‌الله و قطع بازوان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، از فوران بیداری اسلامی در منطقه جلوگیری کنند؛ اما نه تنها در دستیابی به اهدافشان موفق نبوده‌اند؛ بلکه اقتدار حزب‌الله، کشور لبنان را به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جبهه مبارزه و مقاومت اسلامی در صف مقدم مبارزه با رژیم غاصب و جنایتکار صهیونیستی تبدیل کرده است (بولتن فجر، 1389: 32 - 28).

فلسطین- روی کار آمدن حماس در فلسطین که از طریق انتخابات دموکراتیک و مشروع، قدرت را در فلسطین به دست گرفت و مقاومت خیره‌کننده آن‌ها در مقابل رژیم نظامی صهیونیستی که در جنگ 22 روزه از تمامی ابزارهای نظامی خود برای به شکست کشاندن نهضت مقاومت حماس استفاده کرد و همچنین دفاع جانانه آنان در جنگ 8 روزه و مجبور شدن اسرائیل به پذیرش مفاد آتش‌بس که از سوی حماس اعلام شده بود، به‌عنوان فرزند انقلاب اسلامی ایران ضمن تقویت امواج عظیم «بیداری اسلامی» در منطقه، شکست بزرگی را به آمریکا و رژیم صهیونیستی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی وارد ساخت.

تونس- بسیاری وقوع انقلاب در تونس را شاخصی برای سرنوشتی دیگر نظام‌های فاسد در دنیای اسلام و عرب دانسته‌اند، به‌ویژه آنکه رژیم بن‌علی به‌عنوان دولتی ضد اسلامی

به صورت بسیار جدی از سوی غرب و آمریکا حمایت می شد و کمربندی امنیتی برای عدم دستیابی اسلام گرایان به حکومت به شمار می رفت. شاید مهم ترین صفتی که طی سال های گذشته بر جریانات اسلام گرای تونس قابل انطباق باشد، صفت «سرکوب شده» باشد. سقوط بن علی در نتیجه فعالیت ها و اقدامات اسلام خواهانه مردم تونس که چندین سال در راه مقابله با تحمیل سکولاریستی آمریکا، غرب و رژیم های فاسد تونس مبارزه می کردند، عزت اسلام و «بیداری اسلامی» را در این کشور شکوفا کرد و اقبال روزافزون آنان را برای اسلامی کردن حکومت و دولت در پی داشته است.

سلسله فعالیت های مبلغانه «شیخ غفارا»، «جریان عمل اسلامی» و مهم تر از همه، «جریان اسلامی النهضه» به رهبری راشد الغنوشی (از علاقه مندان انقلاب اسلامی) که عامل وجودی آن، مبارزه با مظاهر سکولاریسم و تلاش حکومت تونس برای اسلام زدایی از تمامی جنبه های فردی و اجتماعی جامعه بود و در اوایل دهه 70 و با الهام از تجربه اخوان المسلمین به وجود آمد، در براندازی رژیم بن علی مؤثر بودند؛ پیروزی امواج انقلاب اسلامی در تونس و اسقاط رژیم وابسته به غرب و آمریکایی این کشور و نیز اسلام گرایان در انتخابات پارلمانی تونس، شکست بزرگی برای آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ آن محسوب می شد و از آن جهت که این کشور، نقطه آغاز موج چهارم «بیداری اسلامی» بوده است، این موضوع اهمیت بسیاری دارد (شورای نویسندگان، 1389: 31).

بحرین- پیروزی شیعیان و نیز اسلام گرایان سنی مذهب در انتخابات، نتیجه شکوفایی موج بیداری اسلامی در این کشور محسوب می شد و از آن جهت که بحرین، میزبان یکی از بزرگ ترین پایگاه های نظامی آمریکا در جهان است (پایگاه پنجم نیروی دریایی) و با توجه به راه افتادن موج انقلاب اسلامی در بحرین و اعتراض های گسترده اکثریت مردم شیعه این کشور، این امر شکست عظیمی برای ایالات متحده آمریکا محسوب می شود. با ادامه اعتراضات و به ثمر رسیدن قیام مردمی این کشور، ایالات متحده، یکی از مهم ترین پایگاه های منطقه ای خود را در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه از دست خواهد داد (شورای نویسندگان، 1389، 19-10).

3. «کنترل بنیادگرایی از جمله مهم ترین اهداف آمریکا از ارائه این طرح است». آمریکا در رسیدن به این هدف نیز شکست خورد. در واقع آمریکا بعد از حدود 13 سال از حمله 11 سپتامبر، بازهم در مقابله با گروه های تروریستی مثل القاعده نتوانسته به موفقیت برسد و

روزانه اخبار زیادی در مورد حملات تروریستی به آمریکاییان و کشورهای اعضای ناتو در افغانستان و پاکستان به گوش می‌رسد.

4. «تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران نیز از دیگر اهداف مهم طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا است». به منظور مقابله با تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی، آمریکا به مقابله نرم‌افزاری با این انقلاب پرداخته است. عملیات نرم‌افزاری از قبیل بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای برای جهت‌دهی به افکار عمومی جامعه بین‌الملل علیه ایران و سازمان‌دهی ادراک نخبگان سیاسی و گروه‌های اجتماعی آمریکایی در این چارچوب، در راستای سوق دادن فضای اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی آمریکا در جهت مقابله با نخبگان سیاسی ایرانی سازمان‌دهی شده است. آمریکا با گسترش جدال نرم‌افزاری و مقابله‌گرایی هنجاری با ایران، سازمان‌دهی انگاره‌سازی تهاجمی و الگوی تعارض بر مبنای قالب‌های رسانه‌ای، دامن زدن به اسلام‌هراسی از رهگذر پیوند دادن بنیادگرایی اسلام با تروریسم، به راه‌اندازی جنگ نرم علیه رهبران سیاسی ایران در راستای کاهش اعتماد جامعه بین‌الملل و تخریب چهره سیاسی و الگوی رفتاری نخبگان و مقاومت اجرائی ایران مبادرت ورزیده است (دهشیری، 1385: 77).

5. «یکی از مهم‌ترین اهداف اجتماعی این طرح، شکستن ساختارهای فکری و دینی مسلمانان منطقه است». آمریکا در رسیدن به این هدف نیز ناکام ماند. در واقع با جود انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه، آمریکا نتوانست فرهنگ لیبرالیسم غربی را جایگزین فرهنگ اسلامی مردم منطقه نماید. انقلاب اسلامی با ارائه تصویری کارآمد از دین به‌عنوان پدیده‌ای معنوی، ملموس و پویا و محتوی عبادات، معاملات و سیاسیات و در تعامل با مقوله حق، اقتدار و تکلیف توانست نقش آموزه‌ها و اعتقادات دینی را به‌عنوان منبع معرفتی و راهنمای زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به منصف ظهور رساند و توان دین را به‌عنوان پرچم معنوی مبارزه برای رفع استیلای بیگانگان فراروی بشریت قرار دهد و با شاخصه دین‌باوری و آرمان‌خواهی، دین را به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی و عنصری فرهنگی معرفی نماید.

رشد گفتمان دینی در پی بازخوانی تفکر دینی از سوی انقلاب اسلامی بر اساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت موجبات بسط و گسترش کمی و کیفی هنجارهای دینی و ارتقای روند فکری جوامع مسلمان متناسب با تحولات ابزاری و تکنولوژی مدرن گردید. انقلاب

اسلامی با تأکید بر لزوم ارتقای توسعه و کارایی عناصر درونی و بومی جوامع اسلامی و ضرورت سازگاری و انطباق پویای آن‌ها با تحولات جهانی و متناسب با مقتضیات زمان، توانست دیدگاهی منطقی و آگاهانه نسبت به واقعیات اعتقادی و تحولات اجتماعی ارائه دهد و با تکامل بخشیدن به مبادی فکری بر اساس نگرش‌های عقلانی، بین نسل جدید و سنت‌های گذشته پیوند برقرار سازد (دهشیری، 1385: 79).

اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در عمل هیچ دستاوردی برای آمریکا در بر نداشته و همان‌گونه که نظرسنجی‌های معتبر بین‌المللی طی چند سال اخیر نشان داده‌اند، اقدامات ایالات متحده و طرح‌هایی که در این رابطه اجرا می‌کرد، تنها به تشدید احساسات ضد آمریکایی در منطقه می‌انجامید و حرکت به سمت «خاورمیانه اسلامی» را تسریع می‌کرد. در واقع می‌توان گفت خاورمیانه بزرگ اسلامی نتیجه مستقیم اجرای طرح خاورمیانه بزرگ است. امروزه آمریکا در منطقه شاهد سقوط یکی پس از دیگری رژیم‌های دیکتاتوری طرفدار خود بوده و رؤیاهایی که آمریکا سالیان دراز در سر می‌پروراند، این‌گونه یکی پس از دیگری بر باد می‌روند (صدرالحسینی، 1390: 18).

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه، باید به دنبال فرصت‌های جدید و بهره‌گیری مناسب از این تحولات باشد. از نظر ایران، تحولات امروز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ادامه روندی است که حدود یک قرن پیش در ایران آغاز شده و 35 سال پیش با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر رسیده است. همچنین این خیزش‌ها مستقل و برآمده از جهان‌بینی، بیداری و هوشیاری اسلامی است که آن‌هم از انقلاب اسلامی الگو گرفته است.

ایران جنبش‌های اخیر در منطقه را حرکت‌هایی ریشه‌ای می‌داند که در نتیجه تراکم ناخرسندی‌های مردم در طول چندین دهه شکل گرفته‌اند. از این رو ایران، منشأ این تحولات را بازگشت ملت‌های منطقه به اسلام و مطالبات دینی آنان می‌داند. همچنین قانون اساسی ایران، حمایت از ملت‌های مظلوم را در سراسر دنیا جزء اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند.

ایران برای دستیابی به اهداف و تأمین منافع خود در قبال تحولات کشورهای منطقه بایستی از ابزارهایی استفاده کند و در این زمینه از ابزارهایی برخوردار است که در صورت

استفاده مطلوب از آن‌ها و نقش آفرینی مطلوب، راه دستیابی به این اهداف و منافع هموار می‌گردد. این راهبردها عبارت‌اند از:

د) رایزنی‌های دیپلماتیک

مذاکره و رایزنی‌های دیپلماتیک، یکی از راهکارهای رایج در دیپلماسی است. کشورهای حاضر در خاورمیانه را بر اساس سطح روابط با ایران می‌توان به کشورهای هم‌پیمان و دوست، کشورهای بی‌طرف و کشورهای رقیب تقسیم کرد. به‌یقین، تقویت روابط با کشورهای دوست، ارتقای سطح روابط با کشورهای بی‌طرف و تنش‌زدایی با کشورهای رقیب، فرصت‌های بیشتر برای حمایت از جنبش‌های مردمی در منطقه، در اختیار ایران قرار خواهد داد.

ذ) استفاده از قدرت نهادی

یکی از ابزارهای قدرت که کشورها در اختیار دارند و می‌توانند از آن برای دستیابی به اهداف خود استفاده کنند، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. اتفاقاً بسیاری از کشورهایایی که از قدرت نظامی برخوردارند، برای مشروعیت بخشی به اقداماتشان آن‌ها را در قالب نهادهای بین‌المللی پیگیری و عملی می‌کنند. ایران نیز می‌تواند از نهادهای بین‌المللی که در آن‌ها عضویت دارد مانند اکو، اوپک، سازمان کنفرانس اسلامی، عدم تعهد و... برای دستیابی به اهدافش استفاده نماید (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، 1391: 89-88).

ر) گفتمان‌سازی

یکی از انواع قدرت‌ها، قدرت مولد است که از طریق گفتمان‌سازی محقق می‌شود. در وضعیت فعلی جهانی شدن، گفتمان‌های مختلفی نظیر جهان‌وطنی، محلی و بومی‌گرایی، بشردوستانه، عقلانی، عقلانیت ارتباط جمعی، شیعی و تقریب امت اسلامی از گفتمان‌های مطرح می‌باشند. خلق گفتمان‌های منطقی و دارای مقبولیت جهانی، به سیاست‌گذاری‌های کشور مشروعیت و جهت می‌دهد.

برای اشاعه فرهنگ مقاومت و گسترش موج بیداری اسلامی، باید با توجه به تفاوت‌های بومی و دینی موجود در کشورها و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای مدرن،

گفتمان فرهنگی مشترکی مبتنی بر زبان فطرت ایجاد کرد. در واقع گفتمانی که لازم است ایران برای ایجاد آن، تلاش و سرمایه‌گذاری کند، باید موردپسند و استقبال حداکثری در سطح بین‌المللی قرار گیرد و درعین حال منافع ایران را نیز تأمین نماید، همچنین قابلیت بهره‌برداری در جهت حمایت از جنبش‌های منطقه را داشته باشد (نورانی، 1391: 212).

ز) قدرت ساختاری

نظام بین‌المللی به‌سان بدنه‌ای است که هر یک از کشورها، اجزای آن را تشکیل می‌دهند و جزو آن هستند. هر کشوری در این نظام ساختاری، جایگاه و وزنی دارد و این ساختار برای آن، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. ایران باید با شناخت صحیح و منطقی از جایگاه خود در نظام بین‌المللی، ابزارهای قدرت خویش را بشناسد و از آن‌ها به‌طور صحیح و منطقی استفاده نماید.

ژ) ابتکار عمل

داشتن ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند، افزون بر اینکه می‌تواند انقلاب‌های مردمی را با هزینه‌های کمتر و آسان‌تر به ثمر برساند، به‌طور طبیعی، وزن و قدرت و نفوذ ایران را در منطقه افزایش خواهد داد. اگر دستگاه دیپلماسی ایران برنامه و پیشنهادهایی برای حل بحران کشورهای درگیر بیداری اسلامی ارائه کند، می‌تواند نقش مؤثرتری داشته باشد.

س) تنش‌زدایی و اعتمادسازی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل تبلیغات منفی علیه ایران و در پی سیاست ایران هراسی، ایران همواره مورد سوءظن سایر کشورها بوده است. در حوادث اخیر منطقه‌ای نیز، کشورهای عربی ایران را به دخالت و تحریک معترضان داخلی این کشورها متهم می‌کنند. در چنین فضایی لازم است ایران با درپیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی مواضع خود را معقول و منطقی جلوه دهد (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، 1391: 91).

ش) کنترل و مهار تهدیدها

کنترل و مهار تهدیدها و در گام بعدی تبدیل آن‌ها به فرصت به ایران این امکان را می‌دهد که با نگرانی کمتری برای دستیابی به اهداف و منافع خود برنامه‌ریزی و تلاش نماید. یکی از تهدیدهای مهمی که می‌تواند منافع ایران را در منطقه با چالش مواجه کند، بحران سوریه است. ایران نیاز دارد از دولت اسد در سوریه حمایت کند تا نزدیک‌ترین هم‌پیمانان خود در منطقه را حفظ کند. هم‌پیمانانی که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود، تاکنون در افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین نقش مهمی ایفا می‌کنند. همچنین ایران باید همه ابزارها و ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را برای تثبیت انقلاب‌های مردمی، از طریق آگاهی‌بخشی به ملت‌ها به کار گیرد.

ص) دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای یکی از ابزارهایی است که ایران در اختیار دارد و با استفاده مناسب از آن، می‌تواند دسترسی به اهداف تعیین شده را آسان‌تر سازد. در این راستا جهت‌دهی مناسب، برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی رسانه‌های داخلی، استفاده از ظرفیت اتحادیه‌های رسانه‌ای بین‌المللی و همکاری با رسانه‌های گروهی کشورهای منطقه بر اساس منافع مشترک مورد توجه است (عبادالله، 1390: 4).

ض) همگرایی در ارائه راهبردها

ابزارهای یاد شده تنها در صورتی کارایی مناسب خواهد داشت که همگرایی لازم در میان تمام نهادها و رسانه‌ها وجود داشته باشد. چنانچه همگرایی لازم در ارائه راهبردها وجود نداشته باشد، میزان تأثیرگذاری قدرت نرم انقلاب اسلامی بر جنبش‌های بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه اندک خواهد بود.

نتیجه

بیداری اسلامی به‌عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل و تحت تأثیر قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری، مرحله‌نمادین خود را پشت سر گذاشته و به‌عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است.

وضعیت معادلات منطقه‌ای در حرکت روبه‌جلوی خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً در تضاد با برنامه‌ها و آرمان‌های غرب در حال رقم خوردن است. انقلاب اسلامی ایران در دو بعد ارزش و روش بر حرکت ملت‌های منطقه تأثیر گذاشته است. در بعد ارزش‌ها این تأثیر با پررنگ‌تر شدن نقش دین در مناسبات اجتماعی و تکیه بر ارزش‌های اصیل اسلامی در مبارزه با حکومت‌های وابسته و استبدادی بروز یافته است. در بعد روش نیز بهره‌گیری از شیوه‌های مبارزه انقلاب اسلامی ایران مانند نقش ویژه رهبری، مسالمت‌آمیز بودن، تکیه بر قدرت ملت‌های مسلمان و قرار دادن مردم در برابر حکومت‌ها به چشم می‌خورد.

انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، حق‌گرایی، سلطه‌ستیزی و استقلال‌طلبی توانست ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند. در واقع، انقلاب اسلامی با حمایت از مسلمانان، نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش توانست به احیای مجدد تمدن اسلامی در عرصه بین‌الملل همت گمارد. این انقلاب توانست به‌عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی در جهان نوین و با تبیین پیام وحدت و قدرت جهان اسلام چهره حقیقی قدرت نرم‌افزاری خود را بر جهانیان بنمایاند و با پیام معنوی و اخلاقی خود به‌عنوان انقلابی نیرومند در معادلات جهانی مؤثر باشد و با گشودن جبهه‌ای سوم در نظام بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های جهانی، نظم نوین نرم‌افزاری را در روابط بین‌الملل رقم زند. مهم‌ترین نکته‌ای که باید آن را تأثیر اصلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر ملت‌های منطقه دانست، ایجاد باور و امید به امکان‌پذیر بودن تغییر است که با الهام‌بخشی خود توانست با ارائه الگویی به نسبت موفق از کارایی دین در ایجاد یک انقلاب و برپایی یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و ایستادگی در برابر فشارهای دولت‌های غربی، راه نوینی را در مسیر ملت‌های منطقه بگشاید.

منابع

الف) فارسی

- اکبری، بهمن (1390)، «ایران اسلامی و بیداری اسلامی در گفتمان قرآنی»، مجله مطالعات فرهنگی بین‌المللی، سال نخست شماره 1.
- ایزدی، حجت‌الله (1387)، «هبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال یازدهم، شماره 4.
- بایمن، دانیل و دیگران، (1386)، آینده محیط امنیتی در خاورمیانه (تغییر رهبری، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اطلاعات)، ترجمه: ناصر قبادزاده، علی گل محمدی، عسگر قهرمان پور، فرزاد میراحمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بولتن فجر، (1389)، مجموعه مقالات «عراقی آزاد و مردمی»، «سرو لبنان همچنان برافراشته»، «کمک به کشور همسایه»، «انتفاضه در حال شکوفایی»، بهار، شماره 1-5.
- بیکی، مهدی، (1388)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- جمال‌زاده، ناصر، (1391)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، پاییز، شماره 4.
- جمالی، جواد، (1390)، «تأثیر سنجی قدرت نرم انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های عربی»، فصلنامه عملیات روانی، بهار، شماره 28.
- جهانگیر، کیمرث و مرتضی اسمعیلی، (1391)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره 43، شماره 1، بهار.
- دهشیری، محمدرضا، (1385)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی»، مجله حضور، تابستان، شماره 57.
- عباسی، فهیمه، (1390)، «لیبی و بیداری اسلامی»، مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی، به کوشش مهدی خضریان و مهدی یزدان‌پناه، تهران:

- انتشارات دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- فوکو، میشل، (1380)، *ایران روح یک جهان بی‌روح و 9 گفتگوی دیگر با میشل فوکو*، مترجم نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- نای، ژوزف. اس، (1387)، *قدرت در عصر اطلاعات از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوری، محمد، (1376)، «مآخذشناسی برگزیده احیای اسلام»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی^(ره) و ایجاد تفکر دینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- نورانی، امیر، (1391)، «مصر: بیداری اسلامی و الگوی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار، شماره 28.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و کارآزما، جواد، (1391)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار، شماره 28.
- میلشتاین، میخائیل، (1390)، «خاورمیانه قدیم- جدید: انقلاب‌ها در خاورمیانه و تبعات آن بر اسرائیل»، کتاب خاورمیانه 8، ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- شورای نویسندگان، (1389)، «ویژه‌نامه تحولات اخیر منطقه، سونامی انقلاب اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، تهران: قرارگاه مهندسی و بازسازی خاتم‌الانبیاء (ص)، آذرماه، شماره 2.
- هنری لطیف‌پور، یدالله، (1380)، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- اسدی، علی اکبر، (1390)، «تحولات سیاسی مصر؛ رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای (شماره 4)»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، آخرین بازدید:
<http://isrjournals.ir/fa/essay/172-essay-farsi-39.html> 1393/4/19
- خبرگزاری فارس، (1391)، «بیداری اسلامی: انقلاب تونس و چالش‌های فراروی آن»، -
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910223000337> 1394/2/28
- افکار نیوز، (1391)، «چالش‌های تونس پس از فرار دیکتاتور»، 1393/6/24: -
<http://www.afkarnews.ir/vdcepf8o.jh8vni9bbj.html>
- نیازی، شهریار، (1390)، «جنبش‌های اخیر در خاورمیانه تحول خواه هستند»، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه 1393/9/6:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa>
- عبدالله، علی، (1390)، «حضور کمرنگ رسانه‌های ایران در بیداری اسلامی»، بلاگ‌فا،
<http://ali7mc.blogfa.com/post-295.aspx> 1394/8/14
- سبحانی، محمدعلی، (1390)، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب»، سایت دیپلماسی ایرانی، اردیبهشت، 1394/4/12: <http://www.irdiplomacy.ir/fa>
- نبوی، سید عبدالامیر، (1390). «نقش جوانان در خیزش نوین مردم مصر»، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 8 اردیبهشت، 1393/6/25:
<http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2444/.aspx>
- نوربخش، یونس، (1390)، «هویت جدید دینی در خاورمیانه جدید»، سایت دیپلماسی ایرانی، خرداد، 1394/2/14: <http://www.irdiplomacy.ir/fa>

ب) انگلیسی

- Bayat, Asif, (2011), "The Post-Islamist Revolutions", April 2011, in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-africa/2011-04-26/post-islamist-revolutions>.
- Goldstone, Jack A, (2011), "Understanding the Revolutions of", May/June 2011, in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-africa/2011-04-14/understanding-revolutions-2011>.
- Hamid, Shade, (2011), "the Rise of the Islamists", May/June 2011, in:
- Skocpol, Theda. (May 1982). "Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution", Theory and Society. Vol 11.

- <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-africa/2011-04-03/rise-islamists>
- THE Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East June 2006, in:
- <http://www.cfr.org/iraq/emerging-shia-crescent-symposium-implications-us-policy-middle-east/p34082>

Archive of SID